[۵. کربلایی کاظم]

افتخار می‌کنند که کربلائي کاظم ساروقی[1] به عنایت حضرت حجت حافظ قرآن شد با عجائبي که در شرح حالش آمده،و....

---

[1] کربلایی کاظم ساروقی (۱۳۰۰-۱۳۷۸ق)، از حافظان قرآن کریم. او کشاورزی ساده و بی‌آلایش بود که ظاهراً به سبب حساسیت در پرداخت به موقع سهم فقرا (زکات) از محصولاتش، مورد عنایت قرار گرفته و به نحوی معجزه‌آسا حافظ کل قرآن شده بود به گونه‌ای که سوره‌های قرآن را نه تنها از ابتدا بلکه از انتهای آنها قرائت می‌کرد و در عین اینکه سواد خواندن و نوشتن نداشت کلمات قرآن را بی‌درنگ در لابلای دیگر متون تشخیص می‌داد.

کربلایی کاظم به وسیله علما و بزرگان بسیاری مورد آزمایش قرار گرفت و حفظ شگفت‌آور وی از سوی آنها تایید شد.

زندگی‌نامه

وی حدود سال ۱۳۰۰ قمری زاده شد و در روستای ساروق ارک زندگی می‌کرد. وی مانند بیشتر اهالی آن روستا بی‌سواد بود. شغل وی کشاورزی بود و در نهایت سادگی زندگی می‌کرد. از ویژگی‌های بارز وی ادای به‌موقع وجوهات شرعی بود، چنان‌که زکات محصول گندمش را به فقرا می‌داد و حتی اگر می‌دانست صاحب زمینی اهل پرداخت زکات و حق فقرا نیست، مسأله پرداخت زکات را به وی یادآوری می‌کرد و اگر زیر بار نمی‌رفت به‌هیچوجه برای او کار نمی‌کرد. حتی بنا گذاشته بود که نیمی از برداشت خود را به فقرا بدهد.

وی در محرم سال ۱۳۷۸ق، در قم درگذشت و در قبرستان نو قم یعنی قبرستان آیت الله شیخ عبدالکریم حائری به خاک سپرده شد.

ماجرای حافظ قرآن شدن

وی یک روز عصر بعد از کار روانه روستا شد و به باغ امامزاده مشهور به «هفتاد و دو تن» (محل دفن چندین امامزاده از جمله دو امامزاده به نام شاهزاده جعفر و امامزاده عبدالله صالح) رسید و برای استراحت روی سکویی در کنار در امامزاده نشست. ناگهان دید دو جوان بسیار زیبا و جذاب نزدش می‌آیند و به او می‌گویند: نمی‌آیی برویم در این امامزاده فاتحه‌ای بخوانیم؟ محمدکاظم پذیرفت و با آنها داخل شد. آنها اول به امامزاده جلوتر وارد شدند و فاتحه‌ای خواندند و سپس به امامزاده بعدی رفتند و مشغول خواندن چیزهایی شدند که محمدکاظم نمی‌فهمید. در اینجا وی متوجه شد که در اطراف سقف امامزاده کلمات روشنی نوشته شده است و یکی از آن دو نفر به او می‌گوید:چرا چیزی نمی‌خوانی؟

بقعه امامزادگان هفتاد و دو تن روستای ساروق

محمدکاظم گفت: من ملا نرفته‌ام و سواد ندارم.

او می‌گوید: باید بخوانی، آن‌گاه دست به سینه او گذاشت و کمی فشار داد.

محمدکاظم گفت: چه بخوانم؟ آن شخص آیه‌ای را خواند و گفت: اینطور بخوان.

محمدکاظم آیه را خواند و برگشت که به آن آقا حرفی بزند و ای چیزی بپرسد ولی دید هیچ‌کس همراهش نیست و خودش تنها در داخل حرم ایستاده و ان‌گاه دچار حالت مخصوصی می‌شود و بی‌هوش روی زمین می‌افتد.

هنگامی که به هوش می‌آید احساس خستگی شدید می‌کند و ضمناً به این فکر فرو می‌رود که اینجا کجاست و او در اینجا چه می‌کند؟ و سپس از امامزاده بیرون می‌آید و بار علوفه و گندم را برمی‌دارد و راهی ده‌کده می‌شود، ولی در میان راه متوجه می‌شود که دارد چیزهایی می‌خواند و آن‌گاه داستان آن دو جوان را به یاد می‌آورد و خود را حافظ همه قرآن می‌یابد.

وقتی به مردم برخورد می‌کند از او می‌پرسند کجا بودی؟ او چیزی نمی‌گوید و بدرنگ زند پیش‌نماز روستا به نام حاج‌آقاصابر اراکی می‌رود و داستان خودش را هم می‌گوید. پیش‌نماز بدو می‌گوید: شادی خواب دیده‌ای شادی خیال می‌کنی؟ محمدکاظم می‌گوید: خیر، بیدار بودم و با پای خودم به امامزاده رفتم و همراه آن دو نفر چنین و چنان شد، و حال همه همه قرآن را حفظ دارم. پس از آن پیش‌نماز، قرآن می‌آورد و آیات مختلف و چند سوره بزرگ را از او می‌پرسد و او همه را از برمی‌خواند. مردم دهکده دور او جمع شدند تا ببینند حاج‌آقاصابر در این باره چه می‌گوید. حاج‌آقاصابر پس از امتحانات فراوان، به زبان محلی جمله‌ای می‌گوید که معنیش این است: «کارش درست شده، و یک مسأله مهمی برایش پیش آمده، و نظر کرده شده است...».

آزمون در کشورهای مختلف

هنگامی که داستان او از محل زندگیش به جاهای دیگر نقل شد او را به شهرهای ایران مانند مالیر، تویسرکان، همدان، کرمانشاه، کنگاور، تهران، قم، مشهد و نیز کاظمین و کربلا و نجف و کویت و حجاز بردند تا مسلمانان و غیرمسلمانان از نزدیک او را ببینند و با دیدن این معجزه زنده، ایمانشان به جان غیب محکمتر شود.

سخنان برخی از مراجع تقلید و بزرگان

آیت الله حجت کوه کمری

آیت الله حجت کوه کمری از مراجع تقلید در حوزه علمیه قم بود که نسبت به کربلایی کاظم محبت و عنایت خاصی داشت و هر گاه او را میدید احترام گزارده او را معجزه مقام ولایت میدانست و مساعدت مالی میکرد.

آیت الله سید محمد تقی خوانساری

آیت الله سید محمد تقی خوانساری صاحب داستان مشهور نماز باران و از مراجع تقلید، پس از امتحانات متعدد به کربلایی کاظم گفت: آیا می‌توانی قرآن را از آخر به اول بخوانی، او گفت: بلی و شروع کرد به خواندن سوره بقره که بزرگترین سوره قرآن است و بعد از قرائت چند آیه، خوانساری گفت: بسیار عجیب است، من ۶۰ سال است سوره قل هو الله احد را می‌خوانم و نمی‌توانم بدون تأمل آن را از آخر به اول بخوانم ولی این مرد عامی دهاتی سوره بقره را که ۲۸۶ آیه است بدون تأمل به شماره معکوس می‌خواند.

آیت الله میرزا مهدی شیرازی

آیت الله میرزا مهدی شیرازی در کربلا ساکن بود و جمعی از علماء و آیت الله میلانی نیز در منزل وی بودند و کربلایی کاظم را دوم آزمایش قرار دادند، هر کس آیه‌ای را می‌پرسید، کربلایی کاظم محل آن را گفته آیه قبل و بعد آن را قرائت می‌کرد.

آیت الله علامه طباطبایی

علامه طباطبایی او را یک معجم المفهرس و کشف الآیات متحرک می‌خواند.

آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی

آیت الله کاشانی از جمله کسانی است که کربلایی کاظم را ملاقات کرده و در معرفی او به جوانان و سایر طبقات مردم سعی فراوان داشته است. وی از موقعیت اجتماعی و سیاسی خود استفاده کرده و مصاحبه مطبوعاتی تشکیل داد و بسیاری از خبرنگاران در آن حضور یافتند و مشاهدات خود را در مورد اعجاز کربلایی کاظم گزارش دادند که در برخی روزنامه‌های همان زمان درج گردید.

آیت الله دستغیب

شهید آیت الله سید عبدالحسین دستغیب در کتاب داستانهای شگفت می‌نویسد: در سالنامه نور دانش سال ۱۳۳۵ صفحه ۲۲۳ عکس کربلایی محمدکاظم مزبور را چاپ کرده و مقاله‌ای تحت عنوان «نمونه‌ای از اشراقات ربانی» نوشته و در آن شهادت عده‌ای از بزرگان علما بر خارق العاده بودن امر او را نقل نموده است. وی در ادامه می‌گوید: از مجموع دستخطهای فوق موهبتی بودن حفظ قرآن کربلایی سراوقی به دو دلیل ثابت می‌شود:

بی‌سوادی او که عموم اهالی ده او شهادت می‌دهند و کسی خلاف آن را نگفته است. نگارنده شخصا از سراوقی‌های ساکن تهران تحقیق نمودم و با این که موضوع بی‌سوادی او در جای کتیرالانتشار چاپ و منتشر شده با این حال، هیچ کس تکذیب نکرده است.

بعضی از خصوصیات حفظ قرآن او که از عده تحصیل و درس خواندن خارج است به شرح زیر:

هرگاه یک کلمه عربی یا غیر عربی بر او خوانده شود فورا ً می‌گوید که در قرآن هست یا نیست.

اگر یک کلمه قرآنی از او پرسیده شود فورا ً می‌گوید در چه سوره و کدام جزء است.

هرگاه کلمه‌ای در چند جای قرآن مجید آمده باشد تمام آن موارد را بدون وقفه می‌شمارد و دنباله هر کدام را می‌خواند.

هرگاه در یک آیه یک کلمه یا یک حرکت غلط خوانده شود یا زیاد و کم کنند بدون اندیشه متوجه می‌شود و خبر می‌دهد.

هرگاه چند کلمه از چند سوره به دنبال هم خوانده شود محل هر کلمه را بدون اشتباه بیان می‌کند.

هر آیه یا کلمه قرآنی را از هر قرآنی که به او می‌دهند آنا ً نشان می‌دهد.

هرگاه در یک صفحه عربی یا غیر عربی یک آیه مطابق سایر کلمات نوشته شود آیه را تمیز می‌دهد که تشخیص آن برای اهل فضل نیز دشوار است

آیت الله مکارم شیرازی

آیت الله مکارم شیرازی در نوشته‌ای چنین می‌گوید:

بسم الله الرحمن الرحیم.

اولین بار که مرحوم کربلایی کاظم را در حومه مالیر دیدم قیافه ساده او چنان بود که انسان فکر می‌کرد سوره حمد نماز خودش را نیز درست بلد نیست، اما وقتی گفتند این مرد روستایی درس‌نخوانده، طی یک حادثه عجیب و آموخته با موهبت الهی حافظ کل قرآن شده است، فهمیدم پشت این چهره دریایی از خلوص وجود دارد و برای امتحان او را آزمایش کردم، کاملاً بر آیات قرآن مسلط بود.

بعدها آوازه او بالا گرفت و به قم آمد و مورد استقبال فضلای حوزه علمیه و مراجع بزرگ قرار گرفت و با امتحانات پی در پی ثابت شد این مسأله یک امر عادی نیست، همه جا با اعجاب از او یاد می‌شد و مورد اکرام و احترام بود، تسلط او به پیدا کردن آیات از نسخ مختلف قرآن، عجیب‌تر از حافظه او بود، هرگاه قرآنی به دست او می‌دادند و می‌گفتند فلان آیه را پیدا کن، قرآن را باز می‌کرد آیه در همان صفحه یا یک ورق بعد و یا قبل بود، شرح حال او آموخته با قرائن فراوان بود، حتی افراد دیرباور را به خضوع وادار می‌نمود، خداوند رحمتش کند، و با قرآن مجید و آورنده آن محشورش فرماید.

فدائیان اسلام

کربلایی کاظم و نواب صفوی

نواب صفوی در جاهای مختلفی کربلایی کاظم را به همراه خود می‌برد و در تمام مجالس او را به عنوان معجزه الهی معرفی نموده و در عرشه منبر می‌نشاند و از حضار در مجلس می‌خواست تا از او در زمینه معجزاتش سؤال کنند و خبرنگاران روزنامه و مجلات داخلی و خارجی را برای مصاحبه با او و مخابره معجزاتش به تمام دنیا دعوت نمود.

عبدالحسین واحدی، مرد شماره دوم فدائیان اسلام، کلماتی متشابه از چند سوره را کنار هم گذارده در محضر جمعی از علماء آنها را خواند، هیچ کس احتمالی نداد که آنها تلفیقی باشد، چون خیلی متشابه بودند ولی کربلایی کاظم، کلمه کلمه آن را خواند، بیان کرد این متعلق به کدام آیه و از کدام سوره است که تقریباً آنها ۲۰ کلمه از ۲۰ آیه بودند، و او همه را یک به یک نام برد و آنها را توالت کرد و در آخر هم گفت، چند واو هم از جیب خودتان به آن اضافه کرده‌اید، این امتحان در برابر گروه زیادی از علماء بود و همه به کربلایی کاظم احسنت گفته و بر او آفرین خواندند، و بعضی از بزرگان از جا برخاسته بوسه در دست کربلایی کاظم زدند.

شهید خلیل طهماسبی، از نزدیکان شهید نواب صفوی، طی یادداشتی در ۳۰ رمضان ۱۳۷۳ق می‌نویسد:

هو العزیز

به نام خدای توانا

بهترین تحفه و هدیه من به مردان خدا سخن خدا و سخن اولیاء خداست، این کتاب مفاتیح الجنان را به پدر بزرگوارم جناب آقای کربلایی کاظم حافظ القرآن به عنوان یادگار تقدیم می‌کنم که این سند زنده اعجاز آل محمد و حافظ تمام قرآن در عوض این تحفه در طول (سال/عمر؟) دوازده ختم قرآن قرائت و هدیه به روح معصومین سلام الله علیهم اجمعین بنمایدی... ثوابش به روح و روان پدر و مادرش باشد، شاید به لطف خدای عزیز از مدافعین سرسخت قرآن باشم و به خاطر حفظ و دفاع از

این قرآن، رویم به خونم رنگین شود به صاحب قرآن با سرافرازی ملحق شوم.(سایت ویکی شیعه، مدخل کربلایی کاظم)

بازبینی #1
ایجاد شده 25 فوریه 2025 11:14:13 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 فوریه 2025 11:15:02 توسط ... .